

پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم
شماره سوم (پیاپی ۱۹)، پاییز ۱۳۹۲، ص ۹۷-۱۱۰

مخالفت‌ها علیه میلسپو در ایران (۱۳۲۳ تا ۱۳۲۱ش/ ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴م)

کریم سلیمانی دهکردی * - جمیله عزیزخواه **

چکیده

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ش/ ۱۹۴۲م، به علت مواجهه دولت ایران با مشکلات فراوان اقتصادی دولتمردان ایران تصمیم گرفتند، آرتور میلسپو را مجدداً استخدام کنند؛ بنابراین مجلس دوره سیزدهم شورای ملی، در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۲۱ش/ ۱۹۴۳م، قانون استخدامی میلسپو را با سمت رئیس کل دارایی ایران تصویب کرد. میلسپو در راه انجام وظایف اقتصادی خود در ایران، با مخالفان فراوانی روبه‌رو بود؛ اما در این میان دولت شوروی و حزب توده و نیز مصدق و ابتهاج، مخالفان اصلی وی به‌شمار می‌رفتند. اتحاد شوروی و حزب توده، به‌هرگونه تلاش آمریکا، برای کسب نفوذ بیشتر در ایران مشکوک بودند؛ همچنین برخی از سیاستمداران ناسیونالیست، مانند مصدق، با نظارت افراد خارجی بر امور ایران مخالف بودند. ابتهاج نیز از مخالفان اصلی میلسپو به‌شمار می‌رفت. مقاله پیش‌رو را با استفاده از اسناد مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، روزنامه اطلاعات سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ش/ ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵م، مذاکرات مجلس دوره سیزدهم و چهاردهم شورای ملی ایران و همچنین روش توصیف و تحلیل اطلاعات تاریخی تنظیم و سعی کرده‌ایم، به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که مخالفان اصلی میلسپو چه کسانی بوده و چه اقداماتی علیه او انجام داده‌اند؟

واژه‌های کلیدی

آرتور میلسپو، رئیس کل دارایی، دولت شوروی، حزب توده، مصدق، ابتهاج.

* استادیار تاریخ دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسؤل) k-soleimany@cc.sbu.ac.ir

** دانشجوی کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی j.azizkhah@gmail.com

مقدمه

از طریق تصویب قانون مالیات بر درآمد که طبق آن از درآمدهای چشمگیر، مالیات بیشتری دریافت می‌شد کسر بودجه دولت را جبران کند. او همچنین، به منظور افزایش درآمد دولت از وزارتخانه‌های مختلف درخواست کرد تا هزینه‌های خود را کاهش دهند. در این میان، بیشترین تأکید او بر وزارت ارتش بود. میلسپو با اختیارات وسیعی که درخواست کرد نارضایتی مجلس را نیز ایجاد کرد. به طور کلی، طبقات ثروتمند نیز از تلاش‌های او برای وضع مالیات بر درآمد خشنود نبودند. در این میان، مهم‌ترین مخالفان میلسپو، حزب توده و اتحاد شوروی و نیز مصدق و ابتهاج بودند. سوال اساسی ما در مقاله حاضر این است که مخالفان اصلی میلسپو چه کسانی بوده و چه اقداماتی علیه او انجام داده‌اند؟ در ارتباط با مقاله پیش‌رو منبع دقیقی وجود ندارد. میلسپو در کتاب خاطرات خود «آمریکاییها در ایران» اقدامات انجام گرفته در دوره دوم مأموریت خود را به صورت خلاصه ذکر کرده و در فصل آخر این کتاب، به مخالفت‌های دولت شوروی و حزب توده پرداخته است. ابوالحسن ابتهاج در جلد اول کتاب خاطراتش، به صورت مختصر به برخوردهای خود با میلسپو اشاره کرده است. حسین کی‌استوان، در کتاب «سیاست موازنه منفی» سخنرانی‌های مصدق در مجلس دوره چهاردهم شورای ملی، علیه میلسپو را درج کرده است. فرضیه مقاله حاضر این است که اختلاف با میلسپو، به علت مخالفت با حضور نیروهای خارجی در کشور بوده است و مربوط به عملکرد اقتصادی میلسپو نمی‌شود.

مخالفان میلسپو

با آغاز دوره جنگ سرد، گروه چپ‌گرا در ایران به صورت سازش‌ناپذیری با تمام مستشاران خارجی

در شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۲م، پس از اشغال نظامی ایران توسط متفقین و اخراج رضاشاه، هرج و مرج تمام کشور را فراگرفت و اقتصاد ایران به مرحله سقوط نزدیک شد. ناتوانی سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی ایران در برخورد و مقابله با مشکلات ناشی از جنگ، یک‌بار دیگر مسئله استخدام مستشاران خارجی را برای دولت ایران مطرح کرد. در چنین وضعیتی از آرتور چستر میلسپو دعوت شد تا برای رفع مشکلات اقتصادی، مجدداً از آمریکا عازم ایران شود. میلسپو در سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ش/۱۹۲۲ تا ۱۹۲۷م، با سمت رئیس کل مالیه، در ایران خدمت کرده و نتیجه مثبتی از اقدامات وی حاصل شده بود؛ پس این انگیزه‌ای بود برای دولتمردان ایران، تا وی را مجدداً استخدام کنند. مجلس دوره سیزدهم شورای ملی، در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۲۱/۱۹۴۳م، قانون استخدام میلسپو را به سمت رئیس کل دارایی ایران تصویب کرد. طبق آن، میلسپو اختیارات فراوانی در زمینه اقتصاد کسب کرد. بدین ترتیب، میلسپو در دی‌ماه ۱۳۲۱/۱۹۴۳م، وارد تهران و مشغول اصلاحات شد؛ اما اقدامات او نتیجه مطلوب را به دنبال نداشت. به همین علت وی از مجلس تقاضای اختیارات بیشتر کرد. در نهایت علی‌رغم وجود مخالفت‌های فراوان، در اثر اصرار میلسپو، قانون اختیارات اقتصادی در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲/۱۹۴۴م، مشتمل بر هشت ماده تصویب شد. پس از مدتی، رسیدگی به امور مربوط به اجناس خوارباری نیز جزء وظایف وی قرار گرفت. بازارهای تهران و تبریز، در اعتراض به تصویب قانون ۱۳ اردیبهشت بسته شد؛ اما میلسپو با اختیارات فراوانی که کسب کرده بود مشغول اصلاحات شد. از آنجاکه در قانون استخدام ۱۳۲۱ش/۱۹۴۳م، مهم‌ترین وظیفه میلسپو تهیه بودجه دولت تعیین شده بود وی سعی کرد

تباهی بکشاند (مذاکرات مجلس، ۱۳۲۲: جلسه ۱۵۰).
 مستشار باید تنها طرز انجام کار را معلوم نماید، نه اینکه عامل اجرای آن باشد (مذاکرات مجلس، ۱۳۲۳: جلسه ۱۸). پس از مدتی، میلسپو تعداد روزنامه‌هایی که آگهی‌های دولتی را دریافت می‌کردند، به شش روزنامه محدود کرد که تیراژشان بیشتر بود؛ همچنین روزنامه مهرایران را که به دولت بدهی مالی داشت، همراه با دو سه روزنامه دیگر که تا حدی بی‌نزاکتی و فحاشی می‌کردند تعطیل کرد. اقدامات این چنینی وی موجب اعتراض مطبوعات می‌شد. روزنامه رستاخیز در ۳ مرداد ۱۳۲۲/۱۹۴۴ م عنوان کرد که:

«میلسپو دیکتاتور اقتصادی و سیاسی ایران، روزنامه‌های ملی را از دریافت هزینه آگهی‌های دولتی محروم ساخته و این هزینه‌ها را به پنج شش روزنامه طرفدار و موافق دولت اختصاص داده است و تنها کافی است نگاهی به آگهی‌هایی که میلسپو به طرفداران خود می‌دهد افکنده شود تا مشخص شود که او آگهی‌های دولتی را به صورت رشوه درآورده است» (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۹۴). میلسپو به این مطلب اشاره دارد که وی ناچار به آشتی و سازش با مخالفان خود بوده و به کسانی که با وی اختلاف داشتند امتیازات مکرر و عمده‌ای داده است؛ وی اذعان می‌کند، این امتیازات ممکن بود به جایی برسد که به اعتبار وی لطمه بزند (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۹۶). البته دادن امتیاز، محدود به مخالفان وی نمی‌شد؛ بلکه این شامل دوستان نیز می‌شد. «میلسپو در روزگاری که قماش حکم کیمیا داشت نهصد هزار متر پارچه، به قیمت دولتی، در اختیار رشیدیان همکار نزدیک سیدضیاء گذاشت تا در بازار آزاد به فروش برساند و رشیدیان میلیون‌ها تومان سود حاصل از این معامله را در اجرای مقاصد سیدضیاء به کار برد» (پژوهش گروهی جامی، ۱۳۶۲: ۱۸۱). در ادامه سعی کرده‌ایم، به سه مخالف عمده میلسپو و علل مخالفت آنان بپردازیم.

مخالفت کرد. همچنین حضور مستشاران خارجی برای اصلاح وضعیت ایران، با اصول ناسیونالیستی که در آن هنگام رو به گسترش بود و بعدها در مصدق تجلی یافت، در تناقض اساسی قرار داشت. برخی از هواداران دیدگاه ناسیونالیستی معتقد بودند، مستشاران خارجی در کشوری که خود، تعداد بسیاری از افراد تحصیل کرده در اروپا دارد افراد منفعت طلب و چاپلوس را جلب می‌کنند؛ به طوری که این افراد از ناآشنایی مستشاران با وضع محلی، بهره‌برداری کرده و آنان را تحت سلطه خود در می‌آورند (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۱۷ و ۱۱۸). همچنین مستشاران خارجی، تشکیلات پردر دسر و پرهزینه‌ای از منشیان و مترجمان به وجود می‌آورند که موجب پیچیدگی کار دستگاه دیوانسالاری می‌شود. به اعتقاد این اشخاص، هیچ اصلاحاتی نمی‌توانست صورت پذیرد، مگر به دست خود مردم کشور (مذاکرات مجلس، ۱۳۲۲: جلسه ۱۵۰). پس از استخدام میلسپو و چند نفر آمریکایی متخصص از سوی دولت ایران، رادیو رم اعلام کرد که دولت ایران قصد دارد عایدات گمرک و مالیات‌های داخلی خود را به آمریکا واگذار کند. دولت ایران در اعتراض به این اقدام اعلام کرد که این گونه انتشارات نادرست، تاثیرات سوئی بر افکار عمومی دارد (مرکز دیپلماسی، ۱۳۲۱ ش، ک ۲، ۲۲، پ ۵۷: ۷). در ایران نیز برخی از روزنامه‌ها از هنگام ورود میلسپو انتقادات شدیدی علیه وی ترتیب دادند؛ از نظر میلسپو اهداف روزنامه‌ها، این بود که اقدامات اصلاحی هیئت مالی عملی نشود و وضعیت آنان متزلزل و اعتماد مردم به آن‌ها سلب شود (اطلاعات ۱۳۲۲، ش ۵۱۶۴: ۱). در موضوع تفیذ اختیارات اقتصادی ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲/۱۹۴۴ م، برخی از نمایندگان معتقد بودند که بهتر است این اختیارات به یک نفر ایرانی داده شود تا مصلحت کشور حفظ شود؛ زیرا ممکن است اختیارات فراوان میلسپو کشور را به

مصدق

مصدق از مهم‌ترین شخصیت‌های مجلس چهاردهم که به‌طور کلی با مستشاران خارجی و از جمله میلسپو مخالف بود. مخالفت با مستشاران خارجی، در باورها و اعتقادهای مشخص تری ریشه داشت؛ بدین ترتیب که حضور مستشاران خارجی و استفاده از آنان در کارهای مملکتی، این مفهوم را ایجاد می‌کرد که ایرانیان ذاتاً قادر به در دست گرفتن سرنوشت خود نیستند و این با اصول ناسیونالیستی که در آن هنگام رو به گسترش گذارده بود در تناقض اساسی قرار داشت (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۱۷). عملکرد مصدق به‌عنوان سیاستمداری ناسیونالیست، در جهت تحقق موازنه، تنها منحصر به نفت نبود. هنگامی که قرارداد میلسپو، برای تمدید از طرف دولت به مجلس تقدیم شد مصدق به‌شدت با آن مخالفت کرد (فاوست، ۱۳۷۴: ۲۰۹). میلسپو برای اصلاح امور اقتصادی و دارایی استخدام شد؛ اما اختیاراتی که به وی داده شد تنها، جنبه مالی و اقتصادی نداشت. بلکه ابعاد سیاسی جدی نیز به همراه آورد. مصدق در مجلس چهاردهم، با تمدید قرارداد وی مخالفت کرد و با سخنان خود در مجلس، علل این مخالفت را مغایرت قرارداد میلسپو با منافع و مصالح ملی برشمرد. وی در بخشی از سخنانش بیان می‌کرد که ایرانی‌ها خودشان به‌خوبی قادر به اداره امور کشور خود هستند چنان‌که سال‌ها بلکه قرن‌ها بدون مستشار، مملکت را اداره کرده‌اند و نیازی به حضور مستشار ندارند (سحابی، ۱۳۸۰: ۱۴۸). مصدق در دوره پنجم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۲ ش/ ۱۹۲۳ م که مصادف با نخست‌وزیری سردار سپه بود برای نخستین بار، به مجلس راه یافت. در آن روزها مصدق از حکومتی قانونمند صحبت و در هر نطقی که در مجلس ایراد می‌کرد، به انتقاد از حکومت می‌پرداخت. وی با اختیارات میلسپو و اختیارات داور مخالفت کرده و

جوانان آزادیخواه و مخالفان سردار سپه را به خود جلب می‌کرد (مکی، ۱۳۶۸: ۴۹۲). مصدق در جلسه ۲۶ فروردین ۱۳۲۳/ ۱۹۴۵ م، در انتقاد از سیدضیاء که از حضور مستشاران خارجی دفاع کرده بود اعلام کرد، وی با حضور میلسپو حتی در زمان رضاشاه نیز مخالف بوده است (مکی، ۱۳۶۸: ۵۱۱). مصدق می‌گفت چه کسی است که بگوید یک نفر خارجی، آن هم میلسپو، از چند نفر ایرانی به دارایی این مملکت دلسوزتر است (کی‌استوان، ۱۳۷۱: ۱۴۹). وی عقیده داشت، ایرانیان خانه خود را باید خودشان اداره کنند (پژوهش گروهی جامی، ۱۳۶۲: ۱۸۳). طرح مصدق برای الغای قانون اختیارات میلسپو، به‌دنبال طرح تحریم امتیاز نفت، نشان می‌داد که مصدق هر کجا که پای نفوذ سیاست‌های استعماری به میان می‌آمد مردانه می‌ایستاد (حجازی، ۱۳۷۵: ۳۷۱). عبده نیز جزء افرادی بود که مخالف حضور میلسپو در ایران بودند. وی نماینده دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بود و در جلسات مجلس، علیه سیاست‌های میلسپو سخنرانی می‌کرد. عبده معتقد بود افزایش اختیارات اقتصادی میلسپو، پس از تصویب قانون اختیارات ۱۳ اردیبهشت، عملاً کاهش قدرت و اعمال نفوذ وزیر دارایی را موجب شده بود و اختیارات وزیر دارایی، محدود به امضاکردن اوراقی شده که قبلاً به امضای میلسپو رسیده بود (مذاکرات مجلس، ۱۳۲۳: جلسه ۲۱).

روسیه و حزب توده

دعوت از اتحاد شوروی، برای همکاری با انگلیس و مشارکت ارتش سرخ برای اشغال ایران، سیاستی اضطراری برای حفظ منافع انگلیس بود (خان‌ملک‌یزدی، ۱۳۶۲: ۱۳). نیروهای شوروی در بدو هجوم خود به ایران، پادگان‌های نظامی ارتش و

و سعی شود از مشاوران شوروی استفاده شود که کارایی بیشتری دارند. دولت شوروی، به‌ویژه از آن ناراحت شد که اطلاع یافت بریتانیا قصد دارد، اداره راه‌آهن ایران را به ایالت‌متحده واگذار کند. میلسپو به‌منظور رفع سوءظن شوروی، در تلاشی چند بار کوشید برای مذاکره با مقامات سفارت شوروی و توضیح درباره ماهیت هیئت‌های مستشاری ایالات‌متحده وقت بگیرد؛ ولی موفق نشد (میلسپو، ۱۳۷۰: ۲۵۱). یکی دیگر از موضوعات اختلاف آمریکایی‌ها و روس‌ها، حضور رکس ویویان در آذربایجان بود. وی یکی از اعضای هیئت مالی میلسپو و مستشار خواربار و همچنین، مسئول نظارت بر توزیع خواربار به سمت جنوب بود. کنسول ایالت‌متحده، خاطرنشان کرد که روس‌ها از حضور کنسولگری آمریکا در منطقه تحت‌اشغال شوروی و اینکه یک آمریکایی برای نظارت بر عرضه خواربار در صحنه باشد راضی نیستند. روس‌ها آذربایجان را برای خودشان می‌خواستند. ویویان محاسبه کرد که در ایام کمبود غله، با توجه به برداشت شوروی از غله آذربایجان سایر نقاط، با قحطی مواجه خواهند شد. به عقیده او توافقی‌نامه موجود، مبنی بر ارسال مقادیر معتدله‌ی غله به شوروی هیچ‌گاه نمی‌باید امضاء می‌شد؛ چون اگر به مرحله اجرا درمی‌آمد موجب بروز قحطی در آذربایجان می‌شد (فاوست، ۱۳۷۴: ۲۰۶). وی اصرار می‌کرد که گندم آذربایجان، باید به مصرف مردم ایران برسد و به روسیه فرستاده نشود؛ بنابراین روس‌ها تصمیم گرفتند، ویویان را از تبریز بیرون کنند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۳۴). اندکی بعد، فرمانده نظامی شوروی در تبریز به این شخص دستور داد، به تهران بازگردد با این بهانه که فقط در تهران می‌تواند پروانه‌اش را تجدید کند. میلسپو اطمینان داشت که اگر این شخص از آذربایجان خارج شود دیگر هیچ‌گاه قادر به مراجعت

ژاندارمری و نیروهای پلیس را در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها خلع‌سلاح کردند. در این میان، قسمت عمده فشارهای دولت شوروی به ایران، در زمینه اقتصاد بود. دولت شوروی قراردادهای تجاری و مالی با ایران منعقد می‌کرد که در این قراردادها همیشه خواسته‌های شوروی تحمیل می‌شد. میلسپو به دریفوس^۱، وزیرمختار آمریکا در تهران، نوشت که سیاست شوروی بر آن است تا ایران را وادار کند کمک‌های وام و اجاره‌ای که از دولت آمریکا دریافت می‌دارد، به اتحاد شوروی تقدیم کرده و در واقع از نظر مالی، دولت شوروی را تغذیه کند. در بدو مأموریت میلسپو، دولت شوروی سیاست مداخله‌نکردن در امور هیئت مالی را درپیش گرفت؛ در نتیجه، نه تنها حزب توده با میلسپو مخالفت نمی‌کرد، بلکه رسماً حمایت هم می‌کرد. ولی، به تدریج سوءظن مقامات شوروی به هیئت آمریکایی افزایش یافت و سرانجام برای ابراز مخالفت خود با آنان، بهانه‌ای یافته و میلسپو و هیئت وی را متهم به دخالت در سیاست خارجی ایران کردند. رئیس کل دارایی، طبق ماده ۱۴ قانون استخدامی، از دخالت در امور سیاسی و مذهبی منع شده بود و عملاً هم دخالتی در سیاست داخلی و خارجی نمی‌کرد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۷۱ و ۱۷۲). در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۲م و با اشغال ایران به دست متفقین، ایالات‌متحده به‌نحو گسترده‌ای در امور ایران درگیر شد. یکی از نخستین موانعی که از تفاهم بیشتر آمریکا و شوروی جلوگیری می‌کرد مسئله هیئت‌های مستشاری بود؛ درحالی‌که ایران و بریتانیا هر دو، درباره لزوم و ضرورت مستشاران آمریکایی توافق داشتند، اتحاد شوروی به تعداد رو به افزایش مشاوران آمریکایی سوءظن داشت. در اوایل بهمن ۱۳۲۱/۱۹۴۳م، سفیر شوروی در لندن درباره مشاوران آمریکایی مستقر در حیطه اقتدار روس‌ها، به وزیر جنگ بریتانیا توصیه کرد اجازه داده نشود آمریکایی‌ها در ایران قدرت یابند

برای نمونه، در اواخر سال ۱۳۲۳ش/۱۹۴۴م، بعضی از ژاندارم‌ها از سوی مقامات ایرانی به یک کارخانه نساجی در شاهی، ۱۶۰ کیلومتری شمال تهران، فرستاده شدند تا در اعتصاب آنجا به‌عنوان گاردهای محافظ وارد عمل شوند؛ اما سربازان شوروی سررسیده و اعضای گارد را خلع سلاح کردند (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ش ۱۳۲۱، ک ۱۲، پ ۹: ۱). مشخص بود که رفتار روسیه نشانگر انحصارطلبی عادی و اعتمادداشتن آنان به خارجی‌ان نیست، بلکه درحقیقت هدفشان کنترل دائمی استان‌های شمالی ایران بود (هیکل، ۱۳۶۲: ۸۷). برخی اوقات، نیروهای نظامی شوروی سربازان ایرانی را خلع سلاح کرده و مانع اقدامات آن‌ها در شمال می‌شدند (مرکز دیپلماسی، ش ۱۳۲۱، ک ۱۲، پ ۹: ۸). میلسپو با توجه به وضعیت موجود، هرگز به مقامات شوروی اعتراض علنی و تنیدی نکرد. وی می‌نویسد:

«ما در مورد کارهای شوروی، هرگز اعتراض علنی نکردیم و خود را با روس‌ها درگیر مناقشه نساختیم؛ زیرا نه دولت ایران حاضر بود و نه سفارت آمریکا که این مسئله را نقض تعهدات شوروی از پیمان سه‌جانبه، به حساب بیاورند. به نظر من هم بهتر بود هر اقدامی در این زمینه را به بعد از جنگ موکول کنیم. درک این مطلب که چرا مقامات شوروی نمی‌توانستند هیئت مالی آمریکا را تحمل کنند آسان بود؛ زیرا هیئت به دولت آمریکا نیرو می‌بخشید و در میان مردم دوستانی کسب کرده بود» (میلسپو، ۱۳۷۰: ۲۵۲ و ۲۵۳). در ابتدا، دولت شوروی سیاست مداخله‌نکردن در کار هیئت را درپیش گرفت؛ در نتیجه، حزب توده از هیئت مالی حمایت کرد. در تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۳۲۲/ژوئیه ۱۹۴۳، روزنامه رهبر از قول حزب توده نوشت که میلسپو به علت فشار کاری و گستردگی وظایف خود از عهده اصلاح وضعیت اقتصادی کشور و توزیع عادلانه اجناس انحصاری و تثبیت و تعدیل قیمت‌ها برنیامده و

نخواهد بود. میلسپو در کتاب خاطرات خود آورده است که: «متأسفانه وقتی دراین خصوص از سفارت آمریکا استمداد کردم، آنان هیچ کاری نکردند. مأمور آمریکایی من، به تهران بازگشت و همان‌طور که پیش‌بینی کرده بودم، شوروی‌ها پروانه او را تجدید نکردند» (میلسپو، ۱۳۷۰: ۲۵۲). به‌طور کلی، روس‌ها موانع بسیاری بر سر راه هیئت مالی آمریکایی، در ایران ایجاد کردند؛ از جمله، ممانعت از مسافرت اعضای هیئت به استان‌های شمالی کشور که تحت‌اشغال قوای شوروی بود. آنان در بعضی مواقع و از روی ناچاری، تنها به دادن اجازه موقت و کوتاه‌مدت به اعضای هیئت، برای مسافرت به شهرهای شمالی اکتفا می‌کردند (مرکز دیپلماسی، ش ۱۳۲۱، ک ۱۲، پ ۴۲: ۱۴). براساس قانون، هیئت میلسپو بخش‌های مهمی از دستگاه اداری ایران را در دست گرفت. این هیئت فعالیت‌های اقتصادی و مالی را اداره می‌کرد و استقرار مدیران آمریکایی، در مراکز استان‌ها یکی از ویژگی‌های اساسی سازمان و برنامه هیئت را تشکیل می‌داد. در منطقه شمال، مقامات شوروی نیروهای نظامی خود را در مناطق مختلف مستقر کرده بودند و به ایرانیان اجازه می‌دادند بدون هیچ تشریفات، به شمال سفر کنند؛ ولی درباره اشخاصی که تابعیت بیگانه داشتند، برای هر مسافرت پروانه عبور مطالبه می‌کردند که این کار موجب اتلاف وقت اعضای هیئت می‌شد. روس‌ها می‌خواستند با مانع‌شدن از اقدامات هیئت مالی آمریکایی، آن‌ها را مجبور به ترک ایران کنند تا بدین‌گونه، جلوی نفوذ روزافزون آمریکا در ایران گرفته شود (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۹۴). خط‌مشی روس‌ها درباره مسئله غله و خصومتی که در قبال مستشاران آمریکایی نشان می‌دادند، بیانگر برخی از مسائلی بود که حفظ روابط دوستانه آمریکا با اتحاد شوروی را در ایران تحت‌الشعاع قرار می‌داد (فاوست، ۱۳۷۴: ۲۰۷).

کرده و مردم را علیه آنان تحریک و از مردم دعوت می‌کردند که وارد حزب توده شوند. آنان علت وضعیت بد اقتصادی را کم‌کاری و سوءنیت میلسپو دانسته و به‌صورت مرتب، خواستار اخراج مستشاران آمریکایی و تبعید سیدضیاءالدین و تعقیب مدیر روزنامه رعد بودند (طیرانی، ۱۳۸۴: ۱۲۶۱). اعضای حزب توده ضمن بدگویی از میلسپو، ابراز می‌کردند که وی می‌خواهد تاجر ایرانی را از کار بی‌کار نماید (طیرانی، ۱۳۸۴: ۸۸۳) و در مطبوعات خود، در انتقاد از میلسپو حرارت بیشتری به خرج می‌دادند و از گدارد، مدیر فرانسوی موزه باستان‌شناسی در تهران، که شخصیتی کاملاً غیرسیاسی بود به‌عنوان میلسپوی شماره دو یاد می‌کردند (لنچافسکی، ۱۳۵۱: ۲۹۴). آنان حتی پس از خروج میلسپو از ایران نیز دست از دشمنی با وی برنمی‌داشتند. برخی از اعضای این حزب در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۲۴/۱۹۴۶ م، در کارخانه برنج‌کوبی شهسوار نمایش موسی و فرعون، به‌انضمام دو پیش‌پردۀ تصنیف نفت ایران و مأموریت میلسپو را اجرا کردند (لنچافسکی، ۱۳۵۱: ۱۱۵۰).

ابتهاج

عبدالحسین ابتهاج با پیشنهاد قوام، به‌عنوان رئیس بانک ملی ایران انتخاب شد و در ۵ دی‌ماه ۱۳۲۱/۱۹۴۳ م، ریاست بانک ملی را از حسین علاء، رئیس پیشین بانک، دریافت کرد. اولین برخورد ابتهاج و میلسپو، در همان روزهای اول ورود میلسپو به ایران صورت گرفت. چند روز پس از ورود، الهیار صالح وزیر دارایی، از طرف رئیس کل دارایی برای ابتهاج پیغامی آورد مبنی بر اینکه میلسپو قبل از آمدن به ایران، شخصی را برای ریاست بانک ملی ایران استخدام کرده که به‌زودی از آمریکا وارد ایران خواهد شد. او قصد

در موفق‌نبودن او، به‌هیچ و جه سوءنیتی در کار نبوده است؛ بلکه حجم بسیار کار و درعین‌حال کارشکنی عده‌ای از محترکان و سرمایه‌داران، موجب موفق‌نشدن وی است (پژوهش گروهی جامی، ۱۳۶۲: ۱۸۲). اما زمانی که دولت شوروی به افزایش سلطه و دخالت آمریکا مشکوک شد از حمایت هیئت دست برداشت؛ در نتیجه، اعضای حزب توده به مخالفت با میلسپو و هیئت مالی وی پرداختند؛ به‌طوری‌که در جراید خود، به‌شدت به او حمله و توهین می‌کردند. اردشیر آوانیان، از اعضای برجسته حزب توده، درباره مخالفت حزب توده با میلسپو نوشته است که:

«میلسپو، همه‌کارۀ ایران شده بود. اکثر نمایندگان مجلس پیش او دست به سینه می‌ایستادند تا از او استفاده مادی کنند. شایع شده بود که تقریباً تمام نمایندگان، نوکر او شده‌اند. طبیعی بود که فراکسیون ما با او مخالفت می‌کرد. البته به جز حزب توده، عده‌ای هم از او استفاده نمی‌کردند که مصدق و چند نفر از مکیون از آن جمله بودند. روزی میلسپو برای دیدار ایرج اسکندری، به منزل او می‌رود و از وی می‌پرسد که چرا فراکسیون توده با او بد است؟ اسکندری هم جواب او را می‌دهد» (آوانیان، ۱۳۷۸: ۳۱۵). وی همچنین می‌نویسد «همه در ایران می‌دانستند که ما علیه سیاست میلسپو مبارزه می‌کنیم؛ ولی اسمی از آمریکا نمی‌آوریم. اما هر آدم سیاسی درک می‌کرد که ما درعین‌حال با امپریالیسم آمریکا مبارزه می‌کنیم» (آوانیان، ۱۳۷۸: ۴۵). حزب توده به‌صورت افراطی از موضع روسیه در ایران حمایت می‌کرد. در سال ۱۳۲۳ ش/۱۹۴۵ م، آنان سعی کردند که نمایش بزرگی به مناسبت انقلاب اکتبر روسیه در تهران ترتیب دهند؛ اما اقدامات آنان از سوی مأموران ایرانی متوقف شد (مرکز دیپلماسی، ۱۳۲۳ ش، ک ۲۱، پ ۱۷: ۲). اعضای حزب توده در نشست‌های خود، مرتباً علیه سیدضیاء و میلسپو و همکاران او سخنرانی

و استعفا داد (انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳: ۸۵). میلسپو در اوایل ورودش به ایران از ابتهاج، تقاضای ۵۰۰ میلیون ریال اعتبار کرد و پس از تصویب مجلس، ابتهاج این مبلغ را در اختیار وی قرار داد. مدتی بعد، او ۵۰۰ میلیون ریال دیگر تقاضا کرد که ابتهاج آن را هم پس از کسب اجازه مجلس در اختیارش گذاشت. با وجود این، پس از مدتی بین آن دو اختلاف به وجود آمد؛ زیرا میلسپو مجدداً درخواست وام کرد و ابتهاج از پرداخت آن خودداری کرد؛ چون مجموع وام‌هایی که تا آن تاریخ به موجب قانون، به دولت داده شده بود بالغ بر ۲ میلیارد ریال بود (ابتهاج، ۱۳۵۷: ۱۱۳). مهم‌ترین اختلاف، بر سر نظارت بر معاملات ارزی بود. در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۲۲/۱۹۴۴م، میلسپو تعداد کارمندان نظارت بر معاملات ارزی را از ۱۲۰ نفر، به ۴ نفر کاهش داد و درحقیقت کمیسیون ارز و مقررات ارزی را منحل کرد. به دستور او کمیسیون، به دو بانک ملی و بانک شاهی اجازه داد که به هر تقاضاکننده‌ای به هر میزانی که درخواست کند و بدون هیچ‌گونه تشریفات ارزی بفروشد. در نتیجه این تصمیم، مبالغ چشمگیری از سرمایه‌های کشور، به شکل دلار به خارج منتقل می‌شد. ابتهاج درباره فروش ارز، مخالفت کرد. وی معتقد بود، وجود این ارزها برای تقویت اقتصاد کشور، به خصوص پس از جنگ و ورود کالاهای ضروری به کشور بسیار لازم خواهد شد (اطلاعات، ۱۳۲۳، ش ۵۴۷۴: ۱). برخی از نمایندگان نیز معتقد بودند دستور اجازه فروش ارزهای خارجی توسط رئیس کل دارایی که به منظور مبارزه با تورم پولی صادر شده است، به معنی اجازه دادن برای فرار سرمایه‌های فراوان از ایران است (مذاکرات مجلس، ۱۳۲۳: جلسه ۳۱). از دیگر عوامل اختلاف، ممانعت ابتهاج از صدور اجازه، برای تفتیش بانک ملی توسط فرستاده میلسپو بود. میلسپو در دوره اول

داشت بداند که با بودن ابتهاج در بانک، به این شخص آمریکایی چه سمتی باید داد؟ پاسخ ابتهاج این‌گونه بود «روزی که ریاست بانک را قبول کردم، با قوام‌السلطنه شرط کردم که هیچ خارجی در بانک استخدام نشود، اما چنانچه میلسپو اصرار داشته باشد این شخص را به هر عنوان و سمتی در بانک ملی به کار گمارد، من از شغل خود کناره‌گیری خواهم کرد.» در ملاقاتی که چند روز بعد، بین آن دو صورت گرفت ابتهاج اظهار کرد علت اینکه افراد خارجی را در بانک نمی‌پذیرد این است که معتقد است هر کاری را که ایرانی بتواند انجام دهد، نباید به یک خارجی محول کرد و چون وی خود را در اداره کردن امور بانک ملی ایران، توانا می‌بیند حاضر نیست یک خارجی را با هر عنوان و منصبی در بانک ملی استخدام کند. در این جلسه، میلسپو با ریاست ابتهاج در بانک ملی موافقت کرد (ابتهاج، ۱۳۵۷: ۱۱۲ و ۱۱۳). درباره الهیار صالح شایان ذکر است که وی در دوران پهلوی دوم در کابینه علی سهیلی، وزارت دارایی را بر عهده گرفت. با استخدام میلسپو به عنوان رئیس کل دارایی، بین او و الهیار صالح وزیر دارایی، ارتباط برقرار شد. در آغاز، آن دو در امور مختلف با یکدیگر همکاری می‌کردند؛ اما، پس از مدتی اختلافات آغاز شد. با افزایش اختیارات فوق‌العاده میلسپو، حوزه اختیارات صالح کاهش پیدا کرد و اختلافات نیز بیشتر شد و به بروز کشمکش میان آن‌ها انجامید. در نهایت، این کشمکش با کناره‌رفتن صالح پایان یافت (طلوعی، ۱۳۷۴: ۲۵۶). میلسپو علت کناره‌گیری صالح را دشواری دیدن انطباق وی، با مقتضیات سیاسی و اداری ذکر کرد که از سر بی‌حوصلگی استعفا داده است. صالح در خاطرات خود آورده، هنگامی که برای تشریح وظایف خود و مسائل اختلاف با میلسپو نزد شاه رفته است، شاه از او می‌خواهد تا مانند مهر لاستیکی بر اعمال میلسپو صحنه گذارد و این حرف بر او گران آمد

هیئت نمایندگی ایران، برای شرکت در کنفرانس برتن وودز (Bretton Woods) که برای تهیه و تصویب اساسنامه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تشکیل شده بود، رهسپار آمریکا شد (کرباسچی، ۱۳۸۰: ۱۵۷). قبل از سفر، ساعد نخست‌وزیر وقت از وی درخواست کرد که درباره میلسپو، با مقامات وزارت خارجه آمریکا صحبت و سعی کند زمینه‌ای فراهم شود که برکناری او، اثر نامطلوبی در روابط ایران و آمریکا نگذارد. بیشتر رجال ایران، معتقد بودند هر قدر میلسپو نالایق باشد، ادامه اقامت و تصدی او در امور مالی ایران، از لحاظ جلب دوستی آمریکا برای ایران لازم و مفید است (ابتهاج، ۱۳۵۷: ۱۲۰). پس از اینکه مأموریت برتن وودز، از طرف نخست‌وزیر، به ابتهاج محول شد میلسپو اعتراض کرد که تعیین هیئت اعزامی، باید با مشورت شخص او انجام می‌شد و ابتهاج شایستگی این مأموریت را ندارد (ابتهاج، ۱۳۵۷: ۱۱۹). مدتی پیش از این سفر ریدر بولارد،^۳ (Reader Bullard) وزیرمختار سفارت انگلیس در تهران، که مدافع حضور مستشاران آمریکایی در ایران بود در گزارش خود، نوشت که بدون تردید ابتهاج مصمم است ظرف ۵ روز پس از ورود به آمریکا، میلسپو را از کار برکنار کند و کاردار سفارت آمریکا در تهران، این مطلب را به واشنگتن گزارش داد. ابتهاج پس از ورود به آمریکا درخواست کرد، برای مذاکره با آمریکایی‌ها درباره میلسپو، با والس مری^۴ (Wallace Murray) ملاقات کند.^۵ والس مری در ملاقات خود، با ابتهاج اعلام کرد که اگر دولت ایران تصمیم دارد از شوروی مستشار استخدام کند مختار است؛ اما دیگر نباید از دولت آمریکا توقع کمک داشته باشد. پس از مذاکرات فراوان، ابتهاج توانست نظر والس مری را تغییر داده و به وی بقبولاند که اخراج میلسپو، به معنی اختلاف با

مأموریت خود در ایران، برای تفتیش مراکز مختلف، سازمان تفتیش ایجاد کرد و یکی از علل اختلاف وی با رضاشاه، اصرار او برای تفتیش وزارت جنگ بود؛ چون رضاشاه به هیچ وجه راضی به این کار نبود (میلسپو، بی‌تا: ۱۵). طبق ماده ۱۰ قانون استخدامی ۱۳۲۱ش/۱۹۴۳م به میلسپو، به عنوان رئیس کل دارایی، اجازه داده شد از ادارات کل و قسمت‌های تابعه وزارت دارایی و وزارتخانه‌های دیگر، هرگونه اطلاعاتی که لازم است تحصیل کند (مرکز دیپلماسی، ۱۳۲۳ش، ک ۴۱، پ ۴: ۱). بنابراین، وی حکمی صادر کرد و یکی از دستیاران آمریکایی خود را از وزارت دارایی، برای تفتیش امور به بانک ملی فرستاد. ابتهاج در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «به این شخص گفتم کسی که این حکم را به شما داده باید ناخوشی روانی داشته باشد. به موجب قانون، فقط بازرس دولت و هیئت نظارت شورای عالی بانک، چنین حقی دارند و اگر شما فوراً بانک را ترک نکنید، مجبور خواهم شد دستور بدهم شما را به زور بیرون کنند.» به نظر ابتهاج، میلسپو شایستگی منصب خود را نداشت؛ زیرا او در گذشته خود، هیچ‌گاه مسئولیت اداری و اجرایی نداشته و تنها در یکی از موسسات تحقیقاتی آمریکا کار کرده بود. بنابراین، محول کردن اداره امور مالی و اقتصادی مملکتی مانند ایران، با تمام مشکلاتی که در برداشت به شخص میلسپو، با ۶۲ سال سن، به هیچ وجه صحیح نبود و اگر او در مأموریت اول خود در ایران، به جمع‌آوری مالیات موفق شده بود به علت قدرت رضاشاه بود (ابتهاج، ۱۳۵۷: ۱۱۵ تا ۱۱۹). از اوایل سال ۱۳۲۳ش/۱۹۴۵م، هم‌زمان با شروع کار مجلس چهاردهم، برخی از نمایندگان مجلس و روزنامه‌ها، به علت نتیجه‌بخش نبودن اقدامات میلسپو به وی اعتراض می‌کردند (مرکز دیپلماسی، ۱۳۲۳ش، ک ۴۱، پ ۴: ۵). ابتهاج در روز ۲۹ خرداد ۱۳۲۳/۱۹۴۵م، به عنوان رئیس

دولت آمریکا نیست. از موضوعاتی که ابتهاج در مذاکرات خود، به آن اشاره کرد این بود که:

«میلسپو به جای اینکه وقت خود را صرف کارهای مهم بکند، دائماً سعی دارد بدون آنکه اطلاعی از کیفیت امور داشته باشد در تمام جزئیات دخالت کند. مثلاً در مورد نامه‌های وزارت دارایی که به فارسی نوشته می‌شود، اصرار دارد در کنار امضای وزیر، او هم امضا کند؛ بنابراین وقت بسیاری صرف این کار می‌کند» (ابتهاج، ۱۳۵۷: ۱۳۱ و ۱۳۲). بدین ترتیب، اختلاف‌ها بیشتر شد تا جایی که میلسپو، در تاریخ ۱۵ مهرماه ۱۳۲۳/۱۹۴۵م، ابتهاج را از ریاست بانک ملی برکنار کرد (اطلاعات، ۱۳۲۳، ش ۵۵۸۵: ۱) و ابراهیم زند، وزیر سابق جنگ، را به این سمت گماشت؛ سپس به تمام بانک‌های ایران و خارج اطلاع داد که امضای او را نپذیرند (لنچافسکی، ۱۳۵۱: ۳۳۶). وی طی نامه‌ای ابلاغ کرد که پس از مشورت با وزیر دارایی و طبق قانون مصوب ۲۱ آبان ۱۳۲۱/۱۹۴۳م، از تاریخ ۱ آبان ۱۳۲۳، ابتهاج را از سمت مدیرکل بانک ملی ایران برکنار می‌کند (اطلاعات، ۱۳۲۳، ش ۵۵۸۹: ۴). شنیدن این خبر، موجب اعتراض نمایندگان شد. آنان معتقد بودند میلسپو چنین حقی ندارد (عبده، ۱۳۶۸: ۱۰۶۱) و برکناری رئیس بانک ملی، قبل از جلب نظر هیئت دولت، مخالف اساسنامه بانک ملی ایران است (مذاکرات مجلس، ۱۳۲۳: جلسه ۶۹). در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۲۳/ش ۱۹۴۵م، هیئت وزیران موضوع اخراج ابتهاج را مطالعه و بررسی کرد. نتیجه جلسه هیئت وزیران این بود که به میلسپو ابلاغ شود وی درباره برکناری ابتهاج از ریاست بانک ملی و انتخاب ابراهیم زند به این سمت، به استناد قانون اختیارات آبان ۱۳۲۱/ش ۱۹۴۳م خود، دچار اشتباه شده است (اطلاعات، ۱۳۲۳، ش ۵۵۸۸: ۱). میلسپو نمی‌توانست در چنین وضعیتی به کار خود ادامه دهد. وی ۲۷ دی،

نامه‌ای به بیات، نخست‌وزیر، نوشت و در آن علت برکناری ابتهاج را نداشتن موازنه فکری و رفتار خشن و خودپسند او اعلام کرد. در این نامه، میلسپو ادامه کار خود را مشروط به برکناری ابتهاج قرار داد و اعلام کرد در صورتی که با این شرط وی موافقت نشود او تا روز ۳ بهمن به کار خود ادامه و پس از آن استعفا خواهد داد. بیات قسمت‌های پیشنهادی میلسپو را نپذیرفت و به وی توصیه کرد که به خدمت خود، در امور دارایی ادامه دهد (اطلاعات، ۱۳۲۳، ش ۵۶۶۸: ۱). پس از نپذیرفتن شرایط میلسپو از سوی بیات، میلسپو ۱۸ بهمن، نامه دیگری به نخست‌وزیر نوشت و در آن استعفای خود را اعلام کرد (اطلاعات، ۱۳۲۳، ش ۵۶۸۳: ۱). بیات با استعفای وی موافقت کرد و روز بعد، در مجلس شورای ملی حضور یافت (اطلاعات، ۱۳۲۳، ش ۵۶۸۴: ۱) و پس از قرائت نامه‌های مبادله شده بین خود و میلسپو، تصمیم دولت را مبنی بر قبول استعفای رئیس کل دارایی اعلام کرد. این تصمیم را اکثریت نمایندگان مجلس تایید کردند (طلوعی، ۱۳۷۴: ۲۷۰) و بدین ترتیب، میلسپو در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۲۳، ایران را ترک کرد (مرکز دیپلماسی، ۱۳۲۳، ش ۴۱، پ ۴: ۵).

نتیجه

میلسپو در نخستین دوره مأموریت خود در ایران، ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۱/ش ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۷م، با افرادی سروکار یافت که برای پذیرش آموزه‌های وی آمادگی داشتند. بنابراین هنگامی که ۱۶ سال بعد، در سال ۱۳۲۱/ش ۱۹۴۳م، برای بار دوم وارد ایران شد مایل بود با همان برخورد پیشین با ایرانیان رفتار کند؛ اما به این نکته توجه نکرد که کودک دیروز، جوانی استقلال طلب شده است. وضعیت سیاسی ایران در این دوره، بسیار پیچیده شده بود و مشکلات اقتصادی به سادگی حل‌شدنی نبود. ایرانیان در

حضور هم‌زمان سه قدرت بزرگ در ایران، هر یک از آنان می‌کوشید به منظور دستیابی به اهداف خود، گروهی را در داخل ایران در اختیار بگیرد؛ البته در این دوره، فعالیت‌های این چینی آمریکا کمتر بود. حزب توده با وفاداری کامل، از روش ضدآمریکایی شوروی پیروی می‌کرد. روزنامه‌های وابسته به حزب توده، مرتباً از میلسپو و میسیون او انتقاد کرده و به آن‌ها، تهمت جهل و بی‌کفایتی می‌زدند. آنان میلسپو را عامل امپریالیسم آمریکا معرفی می‌کردند که هدفی جز از هم‌پاشیدن شیرازه اقتصاد ایران، به سود آمریکا و انگلیس نداشت. این گروه آن دسته از نمایندگان مجلس سیزدهم را که به استخدام میسیون آمریکایی رأی موافق داده بودند، به خیانت به وطن متهم می‌کردند. در این میان، باید این را هم در نظر گرفت که برخی از اقدامات میلسپو، متناسب با وضع حاکم بر جامعه نبود و خصوصیت اخلاقی میلسپو نیز در موفق‌نشدن وی نقش داشت. اتخاذکردن اصلاحات اقتصادی مناسب نیز بر اعتبار میلسپو خدشه وارد کرد و از مهم‌ترین عواملی بود که موج شدیدی از مخالفت‌ها را علیه او به وجود آورد. نمی‌توان گفت میلسپو در انجام اقدامات و در مواجهه با انتقادات، همیشه دوراندیشی لازم را به کار می‌گرفت. پس از افزایش انتقادات، میلسپو صبر لازم را به خرج نمی‌داد و درگیر انتقادات می‌شد و به حملات آنان پاسخ می‌داد. ابتهاج جزء مخالفان اصلی میلسپو به‌شمار می‌رفت و برای اخراج وی از ایران کوشش می‌کرد؛ اما، اخراج ابتهاج راه‌حل مناسبی نبود. در مبارزه‌ای که در سال ۱۳۲۳ش/۱۹۴۵م، بین او و ابتهاج رخ داد، میلسپو وی را از سمت خود برکنار کرد. ابتهاج به این علت که میلسپو حق برکناری او را ندارد حاضر نشد از سمت خود کناره‌گیری کند. دولت نیز جانب ابتهاج را گرفت و نخست‌وزیر، از برکنارکردن او سر باز زد. حتی اگر

این دوره، به خودباوری نسبی دست‌یافته بودند و بر ایشان سخت می‌آمد که به‌طور کامل از فردی خارجی اطاعت کنند. ورود میلسپو به ایران، درست کمی بعد از تبعید رضاشاه صورت گرفت. با خروج رضاشاه فضای باز سیاسی ایجاد شد و مطبوعات و مجلس و مردم، به یک‌باره خود را از ۲۰سال خفقان و دیکتاتوری رها دیدند. بنابراین، در سال‌های نخست استعفا و خروج رضاشاه، آزادی بیان تا حد چشمگیری فراهم شد. این امر موجب شد، به‌راحتی در روزنامه‌ها و محافل از اقدامات میلسپو انتقادات فراوانی شود. میلسپو به‌عنوان مستشار به ایران نیامده بود؛ بلکه عنوان رئیس کل دارایی بود. در روزهای نخست ورود میلسپو به ایران، با توجه به اختیارات مندرج در قانون استخدامی مورخ ۲۱آبان ۱۳۲۱ش/۱۹۴۳م، برخی روزنامه‌ها وی را دیکتاتور خطاب می‌کردند. حتی در اعتراض به این استخدام، بازار تهران و برخی شهرها تعطیل شد. همچنین، باید در نظر گرفت که این دوره، دوره اوج احساسات ملی و میهنی بود. عده‌ای نه‌تنها، با سیاست‌های انگلیس و شوروی مخالف بودند، بلکه دخالت آمریکا را که هنوز به‌عنوان کشوری استعمارگر شناخته نشده بود، نمی‌پسندیدند. این عده، درصدد بودند بیشتر به قدرت داخلی و بومی تکیه کنند. در مجلس سیزدهم، این افراد حضور کم‌رنگی داشتند؛ ولی مجلس چهاردهم بیشتر، تحت‌تأثیر این افراد بود. مصدق، مرد اول سیاست این دوره، که دارای افکار ناسیونالیستی بود موفق‌نشدن میلسپو را بسیار پررنگ جلوه می‌داد و افکار عمومی را علیه او تحریک می‌کرد. وی معتقد بود، خود ایرانیان می‌توانند مشکل خود را حل کنند؛ اما شخصی به سن و سال میلسپو نمی‌تواند این مشکلات را سریع درک کرده و حل کند. در این دوره و بعد از رفتن رضاشاه، حزب توده نیز در صحنه سیاسی ایران به‌صورت موثری ظاهر شد. به علت

- طیرانی، بهروز، (۱۳۸۴)، اسناد احزاب سیاسی ایران، ج ۲، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ ۱.

- عبده، جلال، (۱۳۶۸)، چهل سال در صحنه، ج ۲، ویرایش و تنظیم مجید تفرشی، تهران: رسا، چ ۲.

- عظیمی، فخرالدین، (۱۳۲۷)، بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: البرز، چ ۲.

- فاوست، لوئیس، (۱۳۷۴)، ایران و جنگ سرد، ترجمه کاوه بیات، تهران: وزارت امور خارجه، چ ۲.

- کرباسچی، غلامحسین، (۱۳۸۰)، روزشمار روابط ایران و آمریکا، تهران: بقعه، چ ۱.

- کی استوان، حسین، (۱۳۲۷)، سیاست موازنه منفی، ج ۲، تهران: تابان، چ ۲.

- لنچافسکی، ژرژ، (۱۳۵۱)، سی سال رقابت غرب و شوروی در ایران، ترجمه حورا یاوری، تهران: ابن سینا، چ ۱.

- مکی، حسین، (۱۳۶۸)، خاطرات سیاسی حسین مکی، تهران: علمی، چ ۱.

- میلسپو، آرتور چستر، (۱۳۷۰)، آمریکاییها در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، چ ۱.

- میلسپو، آرتور چستر، (بی تا)، مأموریت آمریکاییها در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: پیام.

- هیکل، محمدحسین، (۱۳۶۲)، ایران روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، تهران: الهام، چ ۲.

ب. اسناد

- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۲۱ش، ک ۲۲، پ ۵۷: ۷.

_____، ۱۳۲۱ش،

ک ۱۲، پ ۴۲: ۱۴.

فرض کنیم که میلسپو قانوناً حق چنین اقدامی را داشت، تردیدی نیست که عوامل روانی حاکم بر جامعه را نادیده گرفته بود. هیچ یک از ایرانیان، نمی توانستند برکناری مقامی داخلی از طرف فردی خارجی را با توجه به موج فکری جدید که یک ایرانی خود را کمتر از فردی انگلیسی یا آمریکایی یا روسی نمی دید، قبول کنند. این مبارزه، نمی توانست بی تأثیر باشد؛ به علت موافقت نکردن مجلس با اخراج ابتهاج، میلسپو استعفا داد و از ایران رفت.

کتابنامه

الف. کتابها

- آوانیان، اردشیر، (۱۳۷۸)، خاطرات سیاسی، به کوشش علی دهباشی، تهران: شهاب، چ ۱.

- ابتهاج، ابوالحسن، (۱۳۵۷)، خاطرات ابتهاج، ج ۱، به کوشش علیرضا عروزی، تهران: علمی، چ ۱.

- الهیار صالح به روایت اسناد، (۱۳۸۳)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۱.

- پژوهش گروهی جامی، (۱۳۶۲)، گذشته چراغ راه آینده است، ویراستار بیژن نیکبین، تهران: نیلوفر، چ ۲.

- حجازی، مسعود، (۱۳۷۵)، رویدادها و داوریهها، تهران: نیلوفر، چ ۱.

- خان ملک یزدی، محمد، (۱۳۶۲)، غوغای تخلیه ایران، تهران: سلسله، چ ۱.

- ذوقی، ایرج، (۱۳۶۸)، ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم، ج ۲، تهران: پازنگ، چ ۲.

- سبحانی، عزت الله، (۱۳۸۰)، مصدق، دولت ملی و کودتا، تهران: طرح نو، چ ۱.

- طلوعی، محمود، (۱۳۷۴)، بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست، تهران: علم، چ ۶.

- _____، ۱۳۲۱ ش، - اطلاعات، ۱۳۲۳/۱۰/۳۰، ش ۵۶۶۸: ۱.
- ک ۱۲، پ ۹: ۱. _____، ۱۳۲۱ ش، - اطلاعات، ۱۳۲۳/۱۱/۱۸، ش ۵۶۸۳: ۱.
- _____، ۱۳۲۱ ش، - اطلاعات، ۱۳۲۳/۱۱/۱۹، ش ۵۶۸۴: ۱.
- ک ۱۲، پ ۹: ۸. _____، ۱۳۲۳ ش،
- ک ۲۱، پ ۱۷: ۲. _____، ۱۳۲۳ ش،
- _____، ۱۳۲۳ ش،
- ک ۴۱، پ ۴: ۱. _____، ۱۳۲۳ ش،
- _____، ۱۳۲۳ ش،
- ک ۴۱، پ ۵: ۵. _____، ۱۳۲۳ ش،
- _____، ۱۳۲۳ ش،
- ک ۴۱، پ ۵: ۵.

ج. مذاکرات مجلس

- مذاکرات مجلس دوره سیزدهم شورای ملی، تاریخ
۱۳۲۲/۲/۱: جلسه ۱۵۰.
- مذاکرات مجلس دوره چهاردهم شورای ملی، تاریخ
۱۳۲۳/۱/۲۲: جلسه ۱۸.
- _____، تاریخ
۱۳۲۳/۱/۳۱: جلسه ۲۱.
- _____، تاریخ
۱۳۲۳/۳/۲: جلسه ۳۱.
- _____، تاریخ
۱۳۲۳/۷/۱۷: جلسه ۶۹.

د. مطبوعات

- اطلاعات، ۱۳۲۲/۲/۱۸، ش ۵۱۶۴: ۱.
- اطلاعات، ۱۳۲۳/۳/۳، ش ۵۴۷۴: ۱.
- اطلاعات، ۱۳۲۳/۷/۱۷، ش ۵۵۸۵: ۱.
- اطلاعات، ۱۳۲۳/۷/۲۲، ش ۵۵۸۹: ۴.
- اطلاعات، ۱۳۲۳/۷/۲۰، ش ۵۵۸۸: ۱.

